

## مدرنیته محصول درون زای غرب است/ غلبه عقل ساینزکتیو بر عقل آبژکتیو

پرویز پیران با بیان اینکه مدرنیته محصول درون زای غرب است، گفت: مدرنیته یک مبنای عقلانیت دارد و ۳ رکن صنعتی شدن، شهری شدن و دموکراسی سیاسی.

پرویز پیران با بیان اینکه مدرنیته محصول درون زای غرب است، گفت: مدرنیته یک مبنای عقلانیت دارد و ۳ رکن صنعتی شدن، شهری شدن و دموکراسی سیاسی.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «شکل گیری ایدئولوژی تاریخ غرب در عصر روشنگری و بیراهه های نگرش تاریخی در ایران» روز گذشته دوم بهمن ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی پرویز پیران، جامعه شناس و پژوهشگر برگزار شد.

پیران گفت: در برخی مباحث به دیالکتیک خاص و عام نیاز داریم. یعنی دانش عام باید با توجه به مسایل فرهنگی و قومی با شرایط بومی تطبیق داده شود. متأسفانه عمده تاریخ ما را غربی ها برای ما جمع آوری کرده اند. هنوز هم می گوئیم بهترین تاریخ ادبیات ایران را ادوارد براون جمع آوری کرده است. مثنوی را نیکلسون برای ما جمع آوری کرده است. ما متأسفانه غرب را هم به درستی نمی شناسیم. روشنگری یکی از مهم ترین دوره های سالنامه حیات بشری است. ایدئولوژی غربی در عصر روشنگری با بزرگ کردن اندیشه یونان شروع می شود.

وی افزود: دو نگاه افراطی و تفریطی نسبت به مدرنیته در کشور ما وجود دارد که یا به کلی غربی شدن را توصیه می کند و یا به کلی رد مدرنیته و فاسد شدن غرب به واسطه مدرنیته را عنوان می کند. در مباحث علمی و تاریخی انصاف و مستند و دقیق صحبت کردن (Exactness) خیلی مهم است. مدرنیته محصول درون زای غرب است. مدرنیته یک مبنای عقلانیت دارد و ۳ رکن صنعتی شدن، شهری شدن و دموکراسی سیاسی. انسان در مدرنیته محور قرار می گیرد. من در داستان کباب غاز توضیح داده ام که ما چقدر با مدرنیته آشنا هستیم.

این جامعه شناس اضافه کرد: چند نکته برای فهم صحیح عصر روشنگری ضرورت دارد. اولین نکته تأثیر توماس آکویناس است. او می گوید ما می پذیریم که فلسفه می تواند مجزا از الهیات باشد. به خاطر جایگاهی که توماس آکویناس در آن زمان داشته است این گفته او اتفاق و تحول مهمی را رقم می زند. در نتیجه زمینه فراهم می شود برای جدا شدن اپیستمولوژی (شناخت شناسی) و آنتولوژی (هستی شناسی). سپس راجر بیکن و ویلیام آکامی را داریم. آکامی بر حس و واقعیت حسی و دانش از طریق عقلانیت برای شناخت شنای دنیا تأکید می کند. پوزیتیویسم از این جا شکل می گیرد. در نتیجه مسأله علیت کارا پدید می آید. سپس از الهیات فاصله می گیرند و به انسان گرایی و اومانیزم می پردازند که منجر به لیبرالیسم می شود. می گویند ما فقط به دنبال شناخت دنیا هستیم و برای این هدف به این ایدئولوژی ها نیاز داریم. تا این زمان می گفتند سود شیطانی است اما توماس آکویناس مطرح می کند که اگر سود حاصل کار باشد حلال است. وقتی سود محور قرار گرفت عقلانیت تقلیل پیدا کرد به عقلانیت ابزاری (Instrumental Rationality). در این جا ظهور فرانسویس بیکن اتفاق می افتد که بزرگ ترین ضربه به علوم انسانی را او وارد می کند. دفترچه ای داشت که هر چیز را که مشاهده می کرد در آن می نوشت. اشکال او این بود که مشاهده را به علوم انسانی تسری داد که نتیجه اش شد کمی گرایی در علوم انسانی.

وی همچنین عنوان کرد: عصر روشنگری زمینه را برای انقلاب فرانسه و انقلاب ایالات متحده فراهم می کند. تغییرات فرهنگی و اجتماعی شکل می گیرد و زمینه برای سرمایه داری صنعتی آماده می شود. منطق سرمایه داری در جهت انباشت سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد پدید می آید. در این شرایط رفرف مذهب کاملاً با این منطق هماهنگ می شود. مارتین لوتر به دلیل فساد و بحران کلیسا رابطه انسان با خدا را مستقیم اعلام می کند و می گوید دیگر نیازی به کلیسا نیست. صحبت از اصلاح مذهب می کند و نه نابودی مذهب. در این جا کار ریاضت کشانه بدون لذت مطرح می شود که می بینیم با انباشت سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد هماهنگ است.

این پژوهشگر در پایان اظهار داشت: بیکن می گوید دانش قدرت است. شبیه به شعر توانا بود هر که دانا بود. اما فردوسی دانا بودن را در رابطه با ۱۰ نوع عقل مطرح می کند. در صورتی که منظور بیکن از دانا بودن همان عقل ابزاری است. در مدرنیته غلبه عقل ساینزکتیو بر عقل آبژکتیو را شاهد هستیم. دانش غربی از یونان آغاز شد و گفته می شود یونانیان چون نژاد برتری داشته اند و ژن برتری داشته اند خودشان خود به خود به این دانش ها رسیده اند. برخی مدعی

شده اند که ریشه تفکر یونانیان برگرفته از ایران است. همچنین از مصریان تأثیر گرفته اند. اما در تاریخ این تأثیر پذیری ها را حذف می کنند. از ارسطو تا مونتسکیو نگاه دوگانه به جهان مبتنی بر شرق بربر و غرب دموکرات را می بینیم.